

نامداری قهرمان از نهضت تنگستان ...

■ نگاهی به زندگی سید اسماعیل (موسوی)
سردار بزرگ نهضت تنگستانی‌ها



دوباره مورد حمله هواپیماهای جنگی دشمن قرار می‌گیرند و عاقبت، سید اسماعیل، در حالی که طعم شیرین پیروزی بر دشمن را نچشیده بود، در سن ۳۸ سالگی بر اثر بیماری آنفلوآنزا بدرود حیات گفته و دفتر زندگی و خدمات بی‌شائبه‌اش به وطن اسلامی بسته می‌شود.
سید اسماعیل، جان به جان آفرین تسلیم می‌کند، اما نامش در تاریخ زنده می‌ماند...
روحش شاد و راهش مستدام و پر رهرو باد.
بوشهر / سید محمود موسوی ■

دوستی بسیار نزدیک با ایشان بود. با شروع جنگ نابرابر قوای مهاجم بریتانیا با چریک‌های تنگستانی، رئیس‌علی با پیک مخصوص، سید اسماعیل را به یاری خود می‌طلبد، و او بی‌درنگ آهنگ جنگ با دشمن می‌کند و تا آخرین لحظه حیات رئیس‌علی، در تمام صحنه‌های مخاطره آمیز نبرد دوش به دوش پیشوای نهضت تنگستانی‌ها به جنگ بی‌امان خود ادامه داده و تا واپسین لحظات زندگی این پرچمدار بزرگ مبارزه با کفر و تجاوز، در کنار رئیس‌علی باقی مانده و در هنگامی که دست خیانت و جنایت به زندگی رئیس‌علی خاتمه می‌دهد، باز هم آن سید جنگجو و قهرمان خستگی ناپذیر است که جسد گلگون رئیس‌علی را بر دوش گرفته و با طی کردن چندین کیلومتر مسافت، به قریه گورک می‌رساند و مانع از دست یافتن دشمن به جسد وی می‌شود.

سید اسماعیل، بعد از شهادت رئیس نهضت نیز از جنگ و مبارزه دست نکشیده و در کنار سایر مبارزین و به قصد نابودی دشمن و خونخواهی برادر شهیدش (رئیس‌علی) جنگ با قوای دشمن را ادامه می‌دهد، و در طول این جنگ نابرابر، سه بار مجروح می‌شود، ولی هر بار با بهبود نسبی، دست در حلقه سلاح برده و به رزم بی‌امان خود ادامه می‌دهد، و در زمانی که عرصه بر مجاهدین تنگ می‌شود، زادگاه وی مقر فرماندهی کل جنگ می‌شود و زاپرخضرخان به آشتی عقب نشینی تاکتیکی نموده و با همکاری وی عملیات جنگی را راهبری می‌کند، و در آن‌جا نیز مجاهدین

در میان اسطوره‌های مقاومت و رزم آوری نهضت تنگستانی‌ها باید از نامداری دیگر، و قهرمانی فداکار که شجاعت و پیکارجویی او دربرگیرنده بخش دیگری از تاریخ این نهضت بزرگ است، و سربازی ملی و جان برکف و مجاهدی پرخروش به نام ((سید اسماعیل)) نام برد. آن قهرمان وطن و پاسدار نوامیس مسلمین در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در قریه آشی (خائیز) در خانواده‌ای بالنده از ایمان و پرورده مکتب توحیدی اسلام، تولد یافت. پدرش سید حسن، از نوادگان سادات

سید اسماعیل، بعد از شهادت رئیس نهضت نیز از جنگ و مبارزه دست نکشیده و در کنار سایر مبارزین و به قصد نابودی دشمن و خونخواهی برادر شهیدش (رئیس‌علی) جنگ با قوای دشمن را ادامه می‌دهد، و در طول این جنگ نابرابر، سه بار مجروح می‌شود، ولی هر بار با بهبود نسبی، دست در حلقه سلاح برده و به رزم بی‌امان خود ادامه می‌دهد.

دشتی بود که به واسطه خدمت به مستمندان از جایگاه و مقامی بزرگ نزد مردم برخوردار بود. سید اسماعیل نیز با همان خصوصیات پدر و علاوه بر آن، شجاعت و جنگجویی، بر حسن شهرت خویش افزود. وی مورد عنایت رئیس‌علی، سردار عظیم الشان این نهضت بزرگ و دارای روابط

